یادداشت

ادراک نخبگان عرب از چین پس از جنگ غزه:

از بی‌طرفی خیرخواه تا قدرت موازنه‌گر

بهروز ایاز

جنگ غزه موازنه قدرت در خاورمیانه را تغییر داده است. دراین‌میان چین که قبل‌تر تلاش داشت از طریق ابتکار امنیت جهانی به‌ویژه ابتکاراتی از جمله «میانجیگری میان ایران و عربستان» چهره‌ای بی‌طرف و سازنده از خود ارائه دهد، در برابر بحران غزه رویکردی محتاطانه اتخاذ کرد. در نگاه اعراب، از یک سو، چین به عنوان شریک اقتصادی جذاب و ضدغربی دیده می‌شود و از سویی دیگر، سکوت نسبی آن در قبال اقدامات اسرائیل موجب تردید در صداقت گفتمان «اخلاق‌محور شرق» شده است. این امر پرسش‌هایی را به وجود آورده است که آیا نخبگان عرب همچنان چین را قدرتی بی‌طرف و خیرخواه می‌دانند یا آن را به عنوان قدرتی عمل‌گرا، منفعت‌طلب و موازنه‌گر فارغ از تعهدات اخلاقی می‌بینند. به عبارتی دیگر، ادراک نخبگان عرب از نقش چین در نظم منطقه‌ای پس از جنگ، چگونه تغییر کرده است؟ پیش از جنگ غزه، چین در خاورمیانه با تصویری از یک قدرت غیرمداخله‌گر شناخته می‌شد. در هفته‌های نخست، پکن موضعی مبهم داشت: محکومیت کلی خشونت، دعوت به آتش‌بس و انتقاد از اسرائیل. برای بسیاری از نخبگان سیاسی عرب این موضع بیش از حد محتاطانه بود؛ چراکه آنها انتظار داشتند چین در راستای ادعای اخلاقی خود موضعی صریح در حمایت از فلسطینیان اتخاذ کند. اگرچه رسانه‌های چینی به‌تدریج از واژه‌های بی‌طرفانه فاصله گرفتند و اسرائیل را به نقض فاحش قوانین بین‌الملل متهم کردند، پکن همچنان از هرگونه اقدام عملی برای اعمال فشار بر اسرائیل به منظور پایان جنگ خودداری کرد. این امر تصویری دوگانه از این بازیگر قدرتمند جهانی در ذهن اعراب شکل داد؛ یعنی قدرتی که از نظر اقتصادی بدیل غرب است، از نظر سیاسی اما هنوز فاقد جسارت سیاسی و ژئوپلیتیکی است. با این حال، این مواضع در میان نخبگان اعراب یکسان نبوده و متفاوت بوده است. این واکنش‌ها شامل تحسین تا تردید و حتی انتقاد بوده است. بدیهی است که نخبگان سیاسی به خاطر ملاحظات دیپلماتیک و منافع ملی رتوریک‌های رضایتمندانه‌ای درباره چین ابراز داشته‌اند، اما موضع این کشورها را می‌توان از بیانات نخبگان فکری و رسانه‌ای‌شان درک کرد. قطر مواضع رسانه‌ای و روشنفکری انتقادی درباره چین داشت. در میان کشورهای عربی، قطر دیدگاه بسیار نزدیکی به مقاومت دارد و صریح‌ترین موضع را در دفاع از غزه و انتقاد از چین را در رسانه‌های خود داشته است. شبکه الجزیره و اندیشکده‌های قطری از انفعال پکن در برابر کشتار غیرنظامیان فلسطینی سخن گفتند. اگرچه دولتمردان به لحاظ مسائل دیپلماتیک از نقش سازنده چین در غزه سخن می‌گویند، اما رسانه‌ها و نخبگان فکری آن مسامحتا به انتقاد از موضع چین پرداختند. الجزیره موضع چین در حمایت از غزه را بیشتر نمادین می‌داند تا عملی. مؤسسه بروکینز در مقاله «پیش‌بینی استراتژی چین در خاورمیانه طی چهار سال آینده» به این مسئله می‌پردازد که چین تاکنون درباره مسئولیت بزرگ‌تر خود اقدام عملی در زمینه جنگ غزه نشان نداده است. این مقاله بیان کرده ناتوانی چشمگیر پکن در تأثیرگذاری بر این جنگ نشان‌دهنده ضعف چین به عنوان یک میانجی صلح است. رسانه العربی صراحتا نوشته که موضع چین درباره فلسطینیان حمایت لفظی است و پکن فشاری بر اسرائیل وارد نمی‌کند. با این حال، حتی در همین نقدها، نوعی پذیرش واقع‌گرایانه وجود دارد: آنها اذعان کردند که چین در حال تبدیل‌شدن به بخشی از معادله اجتناب‌ناپذیر قدرت در منطقه است. در امارات، نخبگان سیاسی و استراتژیک دیدگاه کاملا عمل‌گرایانه‌ای داشتند. از نگاه آنها، چین نه باید قضاوت اخلاقی شود و نه با معیارهای غربی سنجیده شود. پکن برای ابوظبی نماد «قدرت آینده‌گرا» است؛ قدرتی که ثبات، تجارت و نظم تکنوکراتیک را ترویج می‌دهد. ماسیمو فالچونی، مدیر ارشد رقابت‌پذیری در دفتر سرمایه‌گذاری ابوظبی (ADIO)، در مصاحبه اخیر خود با چاینادیلی گفت: «چین همچنان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد جهانی است و مسیر اقتصادی آن برای ابوظبی بسیار مهم است»؛ بنابراین اماراتی‌ها رفتار چین در غزه را ضعف نمی‌دانند، بلکه «تداوم سیاست بی‌طرفی سودمند» تعبیر می‌کنند. همین نگاه باعث شد تحلیلگران اماراتی، برخلاف قطری‌ها، از چین به عنوان میانجی بالقوه در حل مسائل بحرانی منطقه‌ای یاد کنند. محمدابن آل‌نهیان، امیر امارات، در جلسه افتتاحیه دهمین نشست وزیران مجمع همکاری چین و کشورهای عربی تأکید کرده که امارات معتقد است که صلح در غزه از طریق همکاری بین کشورهای عربی و چین، همراه با تلاش‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است. در عربستان سعودی، مقامات سیاسی موضع محتاطانه پکن را هوشمندانه تلقی کردند، چراکه هرگونه موضع صریح می‌توانست سرمایه‌گذاری‌های عربستان در پروژه‌های مشترک را تهدید کند. اما نخبگان رسانه‌ای و دانشگاهی سعودی، به‌ویژه پس از حمایت صریح و همه‌جانبه واشنگتن از تل‌آویو، خواستار موضع صریح چین برای ایجاد توازن واقعی در سیاست خارجی شدند. نه به این دلیل که چین جایگزین آمریکاست، بلکه اهرم فشاری است برای استقلال راهبردی. رسانه ایندیپندنت عربی به زبان تندی می‌گوید پکن در غزه از فرصت بهره‌برداری می‌کند و اگرچه در لفظ از فلسطینیان حمایت می‌کند اما در عمل رویکرد استراتژیک و فرصت‌طلبانه داشته است. در مصر، که نخبگان فکری و روزنامه‌نگارانش سابقه طولانی در گفتمان پان‌عربی دارند، واکنش‌ها پیچیده‌تر بود. برخی از چهره‌های قدیمی‌تر رسانه‌ای، از موضع محتاطانه چین سخن گفتند و آن را در راستای «دیپلماسی نرم» پکن دانستند. مؤسسه پژوهشی مرکز الاهرام للدراسات السیاسیه و استراتیجیه (ACPSS) می‌گوید چین از آوارگان فلسطینی و توقف جنگ در غزه حمایت می‌کند، ولی به دلیل محدودیت‌ها و محذورات خاص خود نمی‌تواند آن‌گونه که دیگران انتظار دارند، از فلسطین حمایت کند. اما نسل جدیدتر از پژوهشگران دانشگاهی، به‌ویژه در حوزه روابط بین‌الملل، معتقدند چین از طریق اقتصاد، فرهنگ و فناوری، در حال ساختن نوعی «نفوذ نرم آرام» است که تأثیر آن دیرتر اما عمیق‌تر از مداخله نظامی آمریکاست. آنها باور دارند که چین به کمک مصر و ایران در تلاش برای پایان‌دادن به نفوذ و هژمونی آمریکا در خاورمیانه است. بدیهی است که دو گفتمان رقیب در میان اعراب درباره نقش و جایگاه چین در خاورمیانه شکل گرفته است که در یک سو آن را شریکی محتاط و در سوی دیگر آن را قدرت ناکافی اخلاقی اما موازنه‌گر می‌دانند. تجربه جنگ غزه نشان داد که چین هنوز از پذیرش مسئولیت سیاسی و امنیتی در منطقه پرهیز دارد. درحالی‌که برای تبدیل‌شدن به بازیگری نقش‌آفرین در عرصه ژئوپلیتیک نیازمند این است که در بحران‌های انسانی و امنیتی موضع صریح و عمل‌گرایانه اتخاذ کند. جنگ غزه باعث شد که نخبگان سیاسی عرب درباره چین از موضع لیبرالیسم آرمان‌گرایی عبور کنند و به واقع‌گرایی برسند. با این حال، چین برای نخبگان عرب امروز نه ناجی، بلکه گزینه‌ای است برای مدیریت وابستگی؛ ابزاری برای توازن میان قدرت‌ها، بدون نیاز به قطع کامل رابطه با آمریکا. جدا از نگاه انتقادی برخی رسانه‌های عربی، بحران غزه باعث شد اعراب به طور جدی به چین به عنوان یک قدرت جایگزین نگاه کنند. اگرچه موضع آن مبهم بود، اما مطرح‌شدن آن در کنار آمریکا در گفتمان نخبگان عرب، نشان‌دهنده شکستن انحصار آمریکا در شکل‌دهی به روایت‌های منطقه‌ای است. با این حال، این موضع منفعلانه فرصتی را برای آمریکا فراهم می‌کند تا با ایفای نقش، کشورهای عربی را در کنار خود نگه دارد. پکن نیز به نظر می‌رسد می‌خواهد در خاورمیانه حضور داشته باشد، اما نه درگیر شود و نه هزینه نظم را بپردازد. اگرچه این می‌تواند پرستیژ بین‌المللی آن را برای نقش‌آفرینی در عرصه ژئوپلیتیکی تضعیف کند. به طور کلی باید گفت که ادراک جدید نخبگان عرب از چین در حال تغییر است؛ ادراکی که محصول عصر پساآمریکایی خاورمیانه است؛ عصری که در آن قدرت‌ها نه با جنگ، بلکه با توازن و تصویرسازی، نقشه نفوذ خود را بازطراحی می‌کنند.

پس از تماس و دیدار ترامپ با پوتین و زلنسکی، کاخ سفید از «صلح از طریق قدرت» می‌گوید و منتقدان از خوش‌خیالی

دیپلماسی بر لبه شمشیر

شرق: دونالد ترامپ پس از دیدار تازه‌اش با ولودیمیر زلنسکی در کاخ سفید، بار دیگر خود را در نقش میانجی بزرگ میان مسکو و کی‌یف می‌بیند؛ نقشی که هم‌زمان ستایش و تردید را برانگیخته است. او می‌گوید وقت «توقف کشتار» فرا رسیده است؛ اما واقعیت‌های میدان جنگ و سیاست جهانی پیچیده‌تر از آن هستند که با یک جمله در شبکه‌های اجتماعی پایان یابند.

ترامپ در حالی مرحله‌ای تازه از ابتکار صلح خود را آغاز کرده که چند هفته پس از میانجیگری موفق و البته موقت در توافق آتش‌بس غزه، به دنبال ثبت دستاوردی دیگر در پرونده جنگ اوکراین است. بااین‌حال، پشت صحنه این تلاش‌ها نشان می‌دهد کاخ سفید کنونی ابزارهای فشار تازه‌ای را در برابر مسکو آماده کرده تا شاید دیدار بعدی ترامپ و ولادیمیر پوتین در بوداپست، فراتر از نمایش سیاسی باشد. به گفته مقام‌های آمریکایی، وزارت خارجه آمریکا با هدایت مارکو روبیو، جایگزین استیو ویتکاف به عنوان فرستاده ویژه در این پرونده، گفت‌وگوهای مقدماتی با طرف روسی را آغاز کرده است. این تغییر، نشانه‌ای از جدیت واشنگتن برای حرفه‌ای‌ترکردن مسیر دیپلماسی با حکومت پوتین تلقی می‌شود. روبیو در محافل اروپایی چهره‌ای قابل اعتمادتر از پیشینیان خود به شمار می‌آید و مقام‌های اوکراینی از این جابه‌جایی استقبال کرده‌اند.

در کاخ سفید، ترامپ تصمیم دارد بار دیگر با پوتین دیدار کند؛ دیداری که می‌تواند سرنوشت پرونده اوکراین را رقم بزند. دیدار قبلی در آلاسکا، بدون دستاورد ملموس پایان یافت و بسیاری آن را امتیازی برای کرملین دانستند. بااین‌حال، مشاوران ترامپ معتقدند دور جدید مذاکرات، به‌ویژه با تهدید احتمالی ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین، می‌تواند پوتین را وادار به انعطاف کند.

تاماهاوک و پیام قدرت

زلنسکی در دیدار واشنگتن تلاش کرد موافقت آمریکا را برای خرید موشک‌های دوربرد تاماهاوک جلب کند. این موشک‌ها با برد بیش از هزارو ۶۰۰ کیلومتر، می‌توانند عمق خاک روسیه را هدف بگیرند. ترامپ در پاسخ گفت امیدوار است «اوکراین به آنها نیاز پیدا نکند» و ترجیح می‌دهد جنگ با مذاکره پایان یابد. این موضع دوگانه، توازن میان نمایش صلح‌طلبی و حفظ اهرم فشار نظامی را منعکس می‌کند. پوتین در گفت‌وگوی تلفنی با ترامپ ادعا کرد ارسال چنین سلاح‌هایی «وضعیت را تغییر نخواهد داد، اما روابط دو کشور را تخریب می‌کند». بااین‌حال، حتی اشاره به احتمال ارسال تاماهاوک‌ها موجب شد مسکو با تمایل بیشتری به میز مذاکره بازگردد. آندری سیبیها، وزیر خارجه اوکراین، در شبکه ایکس نوشت: «قدرت واقعا می‌تواند حرکت به سوی صلح ایجاد کند». ترامپ در سخنان خود تأکید می‌کند که می‌خواهد «اجازه دهد هر دو طرف ادعای پیروزی کنند و تاریخ قضاوت کند». او خود را «رئیس‌جمهور صلح» می‌نامد و باور دارد اراده فردی می‌تواند بر درگیری‌های ساختاری غلبه کند. منتقدانش اما این نگاه را ساده‌انگارانه و خطرناک می‌دانند. دانیل فرید، دستیار پیشین وزیر خارجه در امور اروپا، به وال‌استریت ژورنال گفته است: «ابزارهایی برای فشار اقتصادی و نظامی بر روسیه داریم که استفاده نمی‌شوند». با وجود تردیدها، ترامپ بر این باور است که می‌تواند همان‌طور که توافق غزه را به نتیجه رساند، جنگ اوکراین را نیز متوقف کند.

انتصاب مارکو روبیو به‌جای استیو ویتکاف در پرونده جنگ اوکراین، نشانه‌ای از جدی‌ترشدن مسیر دیپلماسی در دولت ترامپ و تلاش برای بازسازی کانال‌های گفت‌وگو با مسکو است

مقامات دولتش می‌گویند روحیه پیروزی اخیر در خاورمیانه، انگیزه‌ای تازه برای پرونده اروپا فراهم کرده است.

بوداپست؛ میدان آزمون دوم

براساس اعلام کاخ سفید، دیدار ترامپ و پوتین قرار است در بوداپست برگزار شود؛ شهری که در سال‌های اخیر به محل تلاقی سیاست‌های شرق و غرب تبدیل شده است. این دیدار، فرصتی برای ترامپ خواهد بود تا نشان دهد رویکرد «صلح از طریق قدرت» فقط یک شعار انتخاباتی نیست.

در همین حال، آمریکا کانال‌های گفت‌وگو را در سطح پایین‌تر باز کرده و تلاش می‌کند از مسیر فشارهای اقتصادی و تهدیدهای نمادین، فضا را برای توافق آماده کند. طرح تحریم‌های تازه علیه روسیه در سنا در دست بررسی است و می‌تواند به ترامپ اختیار گسترده‌تری برای اعمال مجازات‌های مالی بدهد؛ هرچند او هشدار داده «زمان‌بندی آن ممکن است کامل نباشد». حتی در درون دولت آمریکا، تردید نسبت به نیت پوتین پابرجاست. برخی مشاوران هشدار داده‌اند که مسکو با استفاده از نشست‌ها، زمان می‌خرد تا عملیات خود را ادامه دهد. خودِ ترامپ نیز در پاسخ به خبرنگاری که پرسید آیا از «بازی‌خوردن» نگران نیست، گفت: «بله، من را بهترین‌ها بازی داده‌اند و همیشه خوب بیرون آمده‌ام». تحلیلگران معتقدند ترامپ از یک سو به دنبال توافقی است که نامش را در تاریخ ثبت کند و از سوی دیگر نمی‌خواهد به طور علنی شکست در برابر پوتین تلقی شود. ساموئل چَرپ از اندیشکده رَند گفته است: «بی‌صبری ترامپ مانع شکل‌گیری فرایند دیپلماتیک واقعی شده، اما انتصاب روبیو پیامی است که واشنگتن در مسیر گفت‌وگو جدی‌تر شده است».

پروژه عجیب برینگ

در حاشیه این تحولات، پیشنهاد غیرمنتظره‌ای از مسکو توجه رسانه‌ها را جلب کرده است. کیریل دیمیتریف، فرستاده سرمایه‌گذاری پوتین، طرح احداث تونلی تقریبا ۱۱۰کیلومتری زیر تنگه برینگ را با همکاری شرکت برینگ متعلق به ایلان ماسک مطرح کرده و آن را «نماد اتحاد» میان دو کشور خوانده است. او حتی پیشنهاد داده نامش «راه‌آهن پوتین-ترامپ» باشد.

ترامپ در پاسخ گفته «باید درباره‌اش فکر کند»، اما زلنسکی در همان دیدار مخالفت خود را با ایده اعلام کرده است. کارشناسان فنی یادآور شده‌اند اجرای چنین پروژه‌ای در منطقه‌ای با سرمای شدید و زمین‌لرزه‌های مکرر عملا ناممکن است. بااین‌حال، طرح نمادین تونل یادآور تلاش روسیه برای بازسازی روابط اقتصادی با واشنگتن در سایه مذاکرات صلح است. زلنسکی در سفر اخیرش به واشنگتن فقط دنبال سلاح نبود؛ او پیشنهاد داده آمریکا از ظرفیت ذخایر گاز اوکراین برای حضور در بازار انرژی اروپا استفاده کند. این طرح، به گفته او، هم بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده اوکراین را تسریع می‌کند و هم وابستگی اروپا به منابع روسیه را کاهش می‌دهد. نشست او با کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا و مدیران شرکت‌های انرژی نشان داد کی‌یف به دنبال شراکتی بلندمدت با شرکت‌های آمریکایی است. ترامپ نیز از این ایده استقبال محتاطانه‌ای کرده و گفته است حضور اقتصادی آمریکا در اوکراین می‌تواند «پایه‌ای برای ثبات آینده» باشد؛ اما در نهایت، همه نگاه‌ها به نشست بوداپست دوخته شده است؛ جایی که سرنوشت این طرح‌ها و شاید کل مسیر جنگ، روشن‌تر خواهد شد.

نشست آلاسکا در تابستان گذشته برای ترامپ ناکامی نسبی بود؛ هرچند مشاورانش می‌گویند در آن دیدار، روسیه برای نخستین بار پذیرفت وضعیت موجود در برخی مناطق شرق اوکراین حفظ شود و از مطالبه کنترل کامل چهار استان عقب‌نشینی کند. اندرو پیک، مقام پیشین شورای امنیت ملی گفته است: «پیشنهاد آلاسکا معنادار بود و توافق نهایی باید کم‌هزینه‌ترین مسیر برای هر دو طرف باشد».

به نظر می‌رسد ترامپ می‌خواهد از همان نقطه نیمه‌تمام ادامه دهد. او بارها گفته که انتظار داشت حل بحران اوکراین «آسان‌ترین» کار دولتش باشد، زیرا با پوتین رابطه خوبی دارد؛ اما اکنون اعتراف می‌کند «پوتین ناامیدش کرده است».

آزمونی برای سیاست خارجی تازه آمریکا

در سطح کلان، دیدار زلنسکی و ترامپ بازتابی از تغییر توازن میان واشنگتن، مسکو و کی‌یف است. دولت دوم ترامپ دیگر تمایل ندارد بدون قید و شرط از اوکراین حمایت نظامی کند، بلکه تلاش می‌کند با ترکیب فشار و امتیاز، هر دو طرف را به توافق بکشاند. این رویکرد از نگاه ناظران اروپایی، بازگشت به دیپلماسی کلاسیک آمریکایی است؛ دیپلماسی‌ای که تکیه‌گاهش منافع ملی است، نه آرمان‌گرایی. در پایان دیدار واشنگتن، زلنسکی در جمع خبرنگاران گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ اکنون شانس بزرگی برای پایان‌دادن به این جنگ دارد»؛ جمله‌ای که اگرچه خوش‌بینانه است، ولی سایه‌ای از انتظار و اضطراب را نیز در خود دارد؛ انتظاری برای نتیجه‌ای که نه‌تنها آینده اوکراین، بلکه اعتبار سیاسی ترامپ را رقم خواهد زد.

قطر میانجیگری می‌کند

آتش‌بس شکننده طالبان و پاکستان

شرق: درحالی‌که مرزهای افغانستان و پاکستان بار دیگر به میدان درگیری بدل شده، دو کشور پس از ده‌ها کشته و صدها زخمی در یک هفته گذشته، با میانجیگری قطر راهی دوحه شدند تا شاید آتش‌بس موقت را به صلحی پایدار تبدیل کنند. گفت‌وگوها در حالی آغاز شده که اعتماد میان دو همسایه به پایین‌ترین سطح از زمان بازگشت طالبان به قدرت رسیده است. سخنگوی دولت افغانستان، ذبیح‌الله مجاهد، اعلام کرد هیئتی بلندپایه به ریاست ملا محمد یعقوب، وزیر دفاع، برای مذاکره با پاکستان عازم دوحه شده است. در سوی دیگر، هیئت پاکستانی از روز جمعه در پایتخت قطر حضور داشت، هرچند اسلام‌آباد تا آخرین لحظه مشارکت رسمی خود را تأیید نکرد. منابع امنیتی گفته‌اند مقام‌های ارشد نظامی و اطلاعاتی پاکستان نیز به این مذاکرات خواهند پیوست. این گفت‌وگوها پس از تمدید آتش‌بس ۴۸ساعته‌ای صورت می‌گیرد که در پی درگیری‌های خونین در امتداد مرز دوهزارو ۶۰۰ کیلومتری دو کشور برقرار شد. طی این نبردها که از شمال وزیرستان تا کنر گسترش یافت، ده‌ها نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند؛ درگیری‌هایی که به گفته ناظران، شدیدترین رویارویی از زمان سقوط دولت پیشین کابل در سال ۲۰۲۱ است. آغاز بحران از آنجا بود که اسلام‌آباد از کابل خواست فعالیت شبه‌نظامیانی را مهار کند که از خاک افغانستان حملاتی را علیه نیروهای پاکستانی انجام می‌دهند. ارتش پاکستان مدعی است این گروه‌ها در پناه طالبان از مرز عبور می‌کنند و مسئول موج تازه‌ای از حملات انتحاری در مناطق مرزی‌اند.

در واکنش، نیروی هوایی پاکستان چندین بار مواضعی را در خاک افغانستان هدف قرار داد؛ اقدامی که دولت طالبان آن را نقض حاکمیت ملی خواند. مجاهد گفت پس از تمدید آتش‌بس نیز بمباران‌هایی در ولایت‌های مرزی ادامه یافته است. او هشدار داد کابل حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند، اما نیروهایش را از هرگونه اقدام تلافی‌جویانه منع کرده تا «حرمت هیئت مذاکره‌کننده حفظ شود».

یادداشت

تخلیه قدرت

ادامه از صفحه اول

نهاد قدرت به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه ارتباطات اجتماعی باید احیا شود، یعنی قدرت سیاسی دولت و مجلس و نهادهای مدنی احیا شود. همه این نهادها وجود دارند، اما از «قدرت» تخلیه شده‌اند. مهم‌ترین ابزار بازسازی نهاد قدرت در ایران احیای سرمایه قدرت از طریق انتخابات و سامان سیاسی حزبی است. راه‌حل‌های عمده عبارت است از: اصلاحات قانونی، احیای انتخابات و تغییرات مدیریتی معنی‌دار، احیای مرجعیت‌های دینی-سیاسی، احیای سرمایه‌داری ملی در اقتصاد، اصلاح ساختاری اقتصاد سیاسی و احیای نیروهای ملی در هنجارهای اجتماعی و در اداره امور عمومی. در نوشته‌های گوناگون در همین ستون به همه این موارد پرداخته‌ام.

در میان دو سنگ

ادامه از صفحه اول

اگر آن شمشیر دشمن بود،
اینک گه‌گاهی تیغ خودی
است که بیشتر می‌بُرد!
بیرون، تحریم و قطع‌نامه،
درون شلختگی!
یکی نان را از آن سوی مرز می‌بندد،
دیگری نفس را از این سوی میز می‌گیرد.
نامه پشت نامه، مجوز پشت مجوز،
هر روز قانونی نو، هر شب قفلی تازه...
چون کاروانی در کویر خشک،
که آب را تحریم کرده‌اند،
و آفتاب را رها.
چرخ صنعت چرا سخت می‌چرخد؟!
زنهار!
چرخ، وقتی به هزار زنجیر بسته شود،
و روغنش نفس کارآفرینان باشد،
چگونه توان چرخیدن دارد؟
ای داد!!
ما فرزندان این خاکیم، فرزندان ایران،
ریشه‌های‌مان در همین خاک است،
و دل‌هامان هم.
اما دلگرمی در سایه بی‌تدبیری‌ها، چون برف سرد شده،
و سرمایه، نه در حساب‌ها، که در حال کوچ است.
انتظار این است که دولتمردان در مسیر کارآفرینی مسیر را هموار و آرام نمایند
تا ما بمانیم،
تا کارخانه‌ها بمانند،
تا این خاک،
همیشه برای ما بماند.
و در پایان،
سلام بر آنان که در تلاطم این زمانه،
هنوز صدای تدبیر و خرد را از پس هیاهوی شعارها می‌شنوند.
با مهر، در مهر

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

برگ سبز موتورسیکلت رنگ سفید مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۱۲۴-۹۳۳۵۳ به شماره موتور OE6CD2202154 و شماره شاسی N2G***180P9212834 به نام **حسین جعفری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول موسسه انجمن علمی شنوایی شناسی ایران به شماره ثبت ۱۹۸۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۴۵۴

بدینوسیله از تمامی اعضای پیوسته انجمن علمی شنوایی شناسی ایران جهت حضور در مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن که در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ (بیست و هفتم آبان ماه سال جاری) از ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۲:۰۰ در دفتر انجمن به آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان چهلستون، خیابان فتحی شقاقی، پلاک ۳۸ واحد ۶ برگزار می شود، دعوت بعمل می آید.

دستور جلسه: ۱.گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرس انجمن ۲.ارایه ترازنامه مالی انجمن ۳. تعیین حق عضویت سال ۱۴۰۵ ۴.سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیئت مدیره انجمن علمی شنوایی شناسی ایران

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۷۳۸۵ – ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حجت اله گمار فرزند شمس اله به شماره شناسنامه ۸۸۸ صادره از کرمانشاه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۲۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲ اصلی قریه ی سیاه بید سفلی بخش دو حومه خریداری از مالک رسمی آقای خداداد رنجبر سیاه بیدی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۴۳۸۳/م الف/۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
فرشاد نادری – رئیس ثبت اسناد واملاک ۳۹۸۶

برگ سبز / سند کمپانی خودرو فیدیلیتی پرایم تیپ 7w۰p۰G۳-B۴x مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۹۵ س ۷۳۴ ایران ۴۰ شماره موتور: SQRE۴T۱۵CBJNH۶۰۵۳۳ شماره شاسی: NAGC۱AB۴۹N۱۰۱۳۴۸۲ به نام **فرشاد شهبازی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک تحصیلی اینجانب **محمدرضا قویدل** فرزند اسماعیل با کدملی ۰۸۱۹۶۸۲۰۱۲ در مقطع کارشناسی رشته حسابداری خدمات و تولیدات صنعتی صادره از دانشگاه علمی -کاربردی به شماره ۹۲۱۳۷۱۱۸۱۹۰۰۳۱ و تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۳۰ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه علمی -کاربردی به آدرس مشهد -بلوار شهدای مدافع سلامت تحویل دهد.